

بررسی تأثیر همزمان حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود با نقش میانجی ساختار سرمایه و عملکرد مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محسن خدادادی^{۱*}

فائزه پوررمضان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۳۹۹/۰۳/۲۷

چکیده

هدف تحقیق بررسی تأثیر همزمان حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود با نقش میانجی ساختار سرمایه و عملکرد مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است؛ و با استفاده از تکنیک نمونه گیری به روش حذف سیستماتیک تعداد ۱۳۰ شرکت های نمونه طی سال های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۸ انتخاب شد. آزمون فرضیه ها با استفاده از الگوی رگرسیون داده های ترکیبی که تلفیقی از داده های مقطعی و سری زمانی هستند استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان داده که بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ و حاکمیت شرکتی از طریق عملکرد مالی بر کیفیت سود حسابداری و ساختار سرمایه تأثیر معناداری دارد و کیفیت حسابرسی از طریق عملکرد مالی و ساختار سرمایه بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد. ولی بین کیفیت حسابرسی و کیفیت سود رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی

کیفیت حسابرسی، حاکمیت شرکتی، کیفیت سود

۱. گروه حسابداری، واحد رودسر و املش، دانشگاه آزاد اسلامی، رودسر، ایران.
۲. گروه حسابداری، واحد رودسر و املش، دانشگاه آزاد اسلامی، رودسر، ایران.

مقدمه

عملکرد مالی، کاربرد نظام‌مند دانش رفتاری در تحول از پیش طراحی شده سازمان، بهبود و تقویت مجدد راهبردها، ساختارها و فرآیندی است که به اثربخشی سازمان می‌انجامد. در حقیقت عملکرد، زمینه‌ی حرفه‌ای در فعالیت‌های اجتماعی و پژوهش در عمل است. بهبود مستمر طیف وسیعی از فعالیت‌هایی با تحولات بی‌پایان را در برمی‌گیرد. ایجاد تیمی با حضور کارمندان و عضویت مدیران ارشد، ایجاد تحولات ساختاری، غنی‌سازی شغل از جمله تلاش‌هایی است که سازمان‌ها در جهت بهبود عملکرد انجام می‌دهند (زارع و پورزمانی، ۱۳۹۶). مدیران وظیفه دارند با استفاده از تیم‌های اطلاعات مناسب، نحوه‌ی عملکرد و وضعیت مالی واحد تجاری و نیز چگونگی استفاده از منابع دریافتی را به مالکان خود ارائه نمایند؛ اما گاهی اوقات مدیران در وضعیت‌هایی قرار می‌گیرند که تصمیم‌هایشان به نفع سهامداران شرکت نبوده و باعث مخدوش شدن گزارش‌های مالی می‌شوند که این مسئله به «مشکلات نمایندگی» معروف است. یک راه حل این است که برای مدیریت انگیزه‌هایی ایجاد شود، مانند دادن سهام شرکت به مدیران تا اولویت‌های آنان با اولویت‌های مدیران در یک مسیر قرار گیرند (رابرتز^۱، ۲۰۰۵) برای بالا بردن سطح درآمد یا رسانیدن سود شرکت به حداکثر ممکن، لازم است بهترین و موثرترین استفاده از منابع مادی و انسانی به عمل آید. لازمه این امر داشتن مدیرانی با انگیزه قوی است (فخاری و سیرانی، ۱۳۸۳).

عملکرد واژه‌ای است که مفهوم فعالیت برای انجام کار و نتیجه آن فعالیت را یک‌جا در بر دارد. در حقیقت عملکرد نتیجه عمل است؛ بنابراین، عملکرد یک سازه کلی است که بر چگونگی انجام عملیات اشاره دارد. می‌توان گفت عملکرد تبدیل یادگیری به رفتار آشکار است؛ یعنی نتیجه یادگیری است نه خود یادگیری. لذا به رفتارهای بالفعل و قابل مشاهده و اندازه‌گیری عملکرد گفته می‌شود. به زعم مورهد و گریفین^۲، عملکرد عبارت است از مجموع رفتارهایی که افراد در ارتباط با شغل از خود نشان می‌دهند (گریفین و مورهد، ۱۳۹۴). به عقیده کاسیکو، عملکرد عبارت است از به نتیجه رساندن وظایفی که از طرف سازمان بر عهده نیروی انسانی گذاشته شده است.

با جدایی مالیکت از مدیریت در شرکت‌های بزرگ، این امکان به وجود آمده است که مدیران تصمیماتی اتخاذ نمایند که در جهت منافع خودشان بوده و با منافع سهامداران در تضاد باشد. یکی از فرضیه‌های اصلی تئوری نمایندگی این است که کارگزار و کارگزاران تضاد منافع دارند. در تئوری‌های مالی فرض اساسی آن است که هدف اولیه شرکت‌ها افزایش ثروت سهامداران و سودآوری شرکت می‌باشد؛ اما در عمل این گونه نیست، مدیران همیشه کاملاً به دنبال منافع مالکان نیستند و این امکان وجود دارد که آن‌ها سعی در دستیابی به افزایش منافع خود به وسیله ثروت مالکان باشند. نتیجه این تفکر مدیران منجر به ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی بین مالک و مدیر شده و انگیزه‌های متفاوت آنان، موجب عدم اعتماد مالکان به مدیران شده است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۱).

حاکمیت شرکتی شامل چگونگی حفاظت از حقوق سهامداران است و به عنوان مکانیزمی برای کاهش فرصت‌طلبی مدیران عمل می‌کند. شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی ضعیفی دارند نسبت به فرصت‌طلبی مدیران آسیب‌پذیرتر هستند و مدیریت سود دارای اثر سوء بر ارزش شرکت‌شان خواهد بود. به علاوه شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی قوی می‌توانند این مسائل را کاهش دهند و مدیریت سود دارای اثر سوء کم‌تری بر ارزش شرکت‌شان خواهد بود و یا حتی برای آنها مفید خواهد بود (مهرانی و نوروزی، ۱۳۹۴).

1. Rabertz

2. Moorhead and Griffin

از دیدگاه گزارشگری مالی، نتیجه مطلوب حاکمیت شرکتی فراهم آوردن اطلاعات حسابداری با کیفیت بالا برای گروه های استفاده کننده از صورت های مالی می باشد؛ زیرا حاکمیت شرکتی موجب افزایش حجم افشای اطلاعات شرکت می شود که این مسئله خود منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سهامداران می شود. این موارد می تواند بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری به عنوان شاخص کیفیت این اطلاعات اثر گذار باشد (حبیب و عزیزم، ۲۰۰۸).

طبق استانداردهای حسابداری، هدف اصلی تهیه صورت های مالی و افشای اطلاعات مالی فراهم کردن اطلاعاتی مفید در رابطه با وضعیت مالی و نتایج عملیات واحد تجاری برای تصمیم گیری استفاده کنندگان می باشند. این اطلاعات از منابع مختلفی می تواند به دست می آیند. صورت های مالی هنگامی شفاف بوده که دارای ویژگی هایی از قبیل در دسترس بودن، قابل اتکا بودن، جامع بودن، مربوط بودن و به موقع بودن باشند؛ به عبارت دیگر در صورتی صورت های مالی دارای محتوای اطلاعاتی می باشند که شفاف بوده و سهامداران در مقایسه با سایر شاخص های عملکرد از قبیل جریان های نقدی و تغییرات سود، اتکای بیشتری بر اطلاعات مربوط به سود خواهند داشت.

شرکت ها در خصوص عملیات کسب و کارشان به دو شکل مجزا که همان ارقام مالی و افشای جانبی است، اطلاعاتی عرضه می کنند. (مرکل و دیویس^۳ ۲۰۰۷). مادامی که کارایی و اثربخشی صورت های مالی در عرضه نگرشی جامع از عملیات کسب و کار شرکت در هاله ای از ابهام قرار گرفته است، گزارش جانبی وضوحاً ابزار قابل توجهی برای انجام این کار دارد. بر همین اساس، مسولین حسابداری مثل کمیسیون بورس و معاملات اوراق بهادار امریکا (SEC) به کیفیت گزارشگری افشای جانبی توجه کرده و بر استفاده از زبانی ساده برای سهولت خواندن تأکید داشته اند. منطقی پس این استدلال آن است که گزارشاتی که خواندن آنها دشوار است بر هزینه پردازش اطلاعاتی خوانندگان افزوده و مانع از استخراج اطلاعات معنی دار می شود (بloomfield^۴ ۲۰۰۲).

سودمندی و محتوای اطلاعاتی اعداد و ارقام ارائه گردیده در صورت های مالی که محصول نهایی فرآیند حسابداری می باشند، یکی از بحث برانگیزترین مباحث در محافل علمی حسابداری خواهد بود. در واقع ریشه این مسأله را می توان در بیانیه ی مفهومی شماره یک هیأت استانداردهای حسابداری مشاهده نمود. طبق این بیانیه، اولین و مهم ترین هدف گزارشگری مالی، عبارت بوده از ارائه اطلاعاتی که برای سرمایه گذاران و اعتباردهندگان حاضر و بالقوه و سایر استفاده کنندگان برای تصمیم های سرمایه گذاری، اعتباردهی و سایر تصمیم های مشابه سودمند خواهند بود (سلطانی، ۱۳۹۶).

مطالعات نشان میدهد که ساختار صورت های مالی می تواند در دستیابی، ارزیابی و وزندگی محتوای اطلاعاتی آن، تأثیر گذار باشد. پژوهشهای اخیر درباره اینکه چگونه خوانایی صورت های مالی می تواند اثر مشابهی داشته باشد به مطالعات وسعت بخشیده است. گزارش ها و صورت های مالی، یکی از مهمترین اجزاء سیستم مدیریت است. وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه یکی از ارکان اصلی پاسخگویی مدیران اجرایی و نیازهای اساسی تصمیم گیری اقتصادی است. اطلاعات مایه حیات بازارهای سرمایه است، سرمایه گذاران ریسک آوردن سرمایه های به زحمت به دست آمده خود را به این بازارها پذیرفته و به اطلاعاتی که از طرف شرکت ها منتشر می شود، تکیه می کنند. آن ها به اطلاعات معتبر، به موقع و قابل فهم، در قالب هایی که به راحتی قابل تجزیه و تحلیل باشد نیاز دارند. به منظور بقا بازارهای سرمایه لازم است سرمایه گذاران اطلاعات شرکت ها را صحیح، کامل، قابل اطمینان و به موقع بدانند (دارابی و رضائی جعفری، ۱۳۹۱). علی رغم اهمیتی که افراد حرفه ای و قانون گذاران برای شفافیت و طول افشا قائل هستند، فرضیه

3. Merkel & deyvis

4. Bloomfield

مدیریت مبهم بیان می کند وقتی عملکرد شرکت ضعیف است مدیران تمایل دارند تا اطلاعات را به صورت مبهم ارائه کنند زیرا ممکن است بازار به اطلاعاتی که به شکل پیچیده‌ای (از نظر خوانایی) افشا شده با تاخیر واکنش نشان بدهد. از این رو مدیران ممکن است به منظور جلوگیری از تاثیرگذاری اطلاعات بر روی قیمت بازار سهام، اطلاعاتی که نمی‌خواهند توسط سرمایه‌گذاران بررسی شود را به شیوه‌ای پیچیده‌تر منتشر کنند (امامی پور، ۱۳۹۱).

هدف حسابرسان، حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات بااهمیت موجود در صورت‌های مالی است. حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند. به عقیده هیئت کیفیت حسابرسی، حرفه حسابرسی نتوانسته هم‌قدم با محیط خود که به سرعت در حال تغییر است، گام بردارد. آن‌ها تأکید دارند که تحقیقات زیادی برای ارزیابی عوامل تأثیرگذار بر کیفیت حسابرسی باید انجام شود و اهمیت این موضوع را یادآوری می‌کنند ساختار کیفیت حسابرسی چندبعدی ولی نامشهود است، به همین جهت اندازه‌گیری آن بسیار دشوار است. از آنجا که عوامل زیادی بر کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارد، تعیین چارچوبی برای مشخص نمودن کیفیت حسابرسی موضوعی بااهمیت محسوب می‌گردد (مجتهدزاده، ۱۳۸۳). پیری و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی ارتباط بین اندازه موسسه حسابرسی، تعداد صاحبکاران موسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد اندازه موسسه حسابرسی رابطه منفی معناداری با کیفیت حسابرسی دارد. این ارتباط منفی نشان می‌دهد موسسات حسابرسی بزرگ و دارای تعداد صاحبکار بالا، در مقایسه با موسسات حسابرسی کوچک و دارای تعداد صاحبکار کم از کیفیت حسابرسی پایین‌تری برخوردارند. یک تعریف متداول دیگر نیز از کیفیت حسابرسی به وسیله‌ی دی آنجلو^۲ (۱۹۸۱) ارائه شده است. او کیفیت حسابرسی را ارزیابی و استنباط بازار از احتمال توانایی حسابرس در کشف تحریف‌های با اهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم حسابداری صاحبکار و گزارش تحریف‌های با اهمیت کشف شده، تعریف کرده است. احتمال اینکه حسابرس تحریف‌های با اهمیت را کشف کند، به شایستگی حسابرس و احتمال این که حسابرس تحریف‌های با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به عنوان استقلال حسابرس تعبیر شده است. در این تعریف، کشف نقص، کیفیت حسابرسی را در قالب دانش و توانایی حسابرس اندازه‌گیری می‌کند، در حالی که گزارش آن بستگی به انگیزه‌های حسابرس برای افشاگری دارد. با وجود این که تعریف دی آنجلو برای حسابرسی صورت‌های مالی مناسب است، اما می‌تواند سایر انواع حسابرسی‌ها را نیز در بر گیرد (یگانه و آذین‌فر، ۱۳۸۹).

سود حسابداری یکی از اساسی‌ترین معیارها برای ارزیابی تداوم فعالیت، عملکرد واحد تجاری و پیش‌بینی فعالیتهای آتی واحد تجاری می‌باشد. سودخالص هر بنگاه اقتصادی، همواره به وسیله سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، حرفه حسابداری، مدیران مالی و تحلیلگران بازار سهام مورد استفاده قرار می‌گیرد (دموری و همکاران، ۱۳۹۰). شرکت‌هایی که براساس اطلاعات نهایی از سودآوری بالای خود مطلع می‌شوند، سود سهام پرداخت می‌کنند و بازار آن را علامتی برای خبر خوب تلقی می‌کند و به این ترتیب سهام آن شرکت با قیمت بالاتری ارزشگذاری می‌شود (کاستاوا^۵، ۲۰۰۹). کیفیت سود می‌تواند فعالیتهای واقعی را نیز شامل گردد. این سود از طریق تغییر در فعالیتهای عملیاتی با هدف گمراه کردن ذینفعان انجام می‌شود. دست‌کاری فعالیت‌های واقعی بر جریان‌های نقدی و در پاره‌ای از موارد بر اقلام تعهدی تأثیر می‌گذارند (شیپر^۶، ۱۹۸۹).

سود سهام نقدی و بازده نقدی سهام، بواسطه عینیت و ملموس بودن، از جایگاه ویژه‌ای نزد پاره‌ای از ذینفعان شرکت برخوردارند. در واقع استفاده کنندگان بالفعل و بالقوه اطلاعات مالی مشتاق‌اند تا از توان ایجاد نقدینگی و بعضاً توزیع آن در میان سهامداران شرکت آگاهی یابند؛ زیرا این اطلاعات نه تنها تصویر روشنی از وضعیت حال شرکت ارائه می‌دهند، بلکه امکان برآورد و ارزیابی وضعیت آینده آن را نیز فراهم می‌سازند که بدون تردید در فرآیند تصمیم‌گیری آنان حائز اهمیت است. تقسیم سود، خط مشی است که بر پایه آن میزان سود تقسیمی، میزان سود انباشته و پاداش هیأت مدیره، زمان پرداخت، نحوه تأمین مالی و دیگر موضوعات مرتبط با آن مدون و مکتوب و به مجمع عمومی سهامداران ارائه می‌شود (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۸۵). در واقع سود سالانه به دو بخش تقسیم می‌شود بخشی از آن بعنوان سود به صاحبان سهام داده می‌شود و بخشی از آن به حساب سود انباشته و یا اندوخته ذخیره می‌شود. هر کدام از این بخشها اثرات متفاوتی بر وضعیت مالی شرکت دارد بنابراین هیأت مدیره می‌تواند سیاست مربوط به تقسیم سود را بعنوان یک راهنما و نیز یک ابزار مورد استفاده قرار دهد.

واحد‌های انتفاعی می‌توانند سود خالص سالانه خود را به مصرف پرداخت سود سهام برسانند یا وجوه آن را برای مقاصد دیگری نظیر باز پرداخت بدهی‌ها یا تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های جدید مورد استفاده قرار دهند. افزایش سود سهام، موجب پرداخت بیشتر وجوه نقد واحد انتفاعی به سهامداران می‌شود. چنانچه مدیریت قصد نداشته باشد از طریق مصرف داراییها یا افزایش بدهی‌ها، سود سهام را تحصیل نماید. بنابراین، تغییر مطلق سیاست توزیع سود سهام (بدون تغییر سیاستهای سرمایه‌گذاری و ساختار واحد انتفاعی) موجب تغییر همزمان مبلغ سود سهام و مبلغ حاصل از فروش سهام جدید خواهد شد؛ اما همواره امکان دارد که تغییرات همزمانی درچندین سیاست واحد انتفاعی ایجاد شود. مثلاً شرکت ممکن است سود سهام را کاهش دهد و وجوه مربوط را صرف توسعه سرمایه‌گذاری خود کند (ترکیبی از سیاست توزیع سود سهام و تغییر سیاست گذاری) یا از محل این وجوه بخشی از بدهیهای خود را بازپرداخت نماید (ترکیبی از تغییر سیاست توزیع سود سهام و تغییر ساختار مالی) به این ترتیب میتوان گفت که توزیع سود سهام، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند. از این رو مدیران (با هدف حداکثر کردن ثروت سهامداران) همواره باید بین علایق مختلف سهامداران تعادلی برقرار نمایند تا هم فرصت‌های سودآور سرمایه‌گذاری را از دست نداده باشند و هم سود نقدی مورد نیاز برخی از سهامداران را بپردازند (معبودی، ۱۳۸۹). با توجه به توضیحات فوق، در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که آیا حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود با نقش میانجی ساختار سرمایه و عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر همزمان و معناداری دارد؟

ملیچندانی و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی تأثیر سیاست تقسیم سود سهام بر کیفیت سود در شرکتها پرداختند. نتایج حاصل از بررسی آنان نشان داد که بین تقسیم سود سهام و کیفیت سود سهام شرکتها رابطه معناداری وجود داشته و یکدیگر را تقویت می‌کنند.

زیب^۷ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین مدیریت سود و سیاست سود سهام با نقش تعدیل‌گر کیفیت حسابرسی در بین سالهای ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۶ در شرکت‌های تولیدی پاکستان پرداختند؛ و به این نتیجه رسیدند که بین مدیریت سود و سود سهام شرکت‌ها رابطه معناداری وجود داشته و کیفیت حسابرسی نیز این رابطه را تعدیل می‌نمایند. یوان جورج شان (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی رابطه بین استقلال هیئت مدیره و مالکیت مدیریتی با عملکرد شرکت در

طی سالهای ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۵ در شرکت های استرالیایی پرداخت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که مالکیت مدیریتی و استقلال هیئت مدیره تأثیر معکوس بر عملکرد شرکت دارند و برعکس. علاوه بر این، استقلال هیئت مدیره با مالکیت مدیریتی دارای ارتباط منفی و معکوس می باشند.

ناهان کافل و آدام جاهل^۸ (۲۰۱۸) به بررسی سرمایه گذاری در دارایی های نامشهود و عملکرد شرکت پرداختند؛ و در بررسی های خود نتیجه گرفتند که با افزایش سرمایه گذاری در دارایی ها عملکرد شرکت نیز افزایش یافته و این افزایش رضایت کارمندان و به تناسب آن رضایت مشتری را در پی خواهد داشت ولی با افزایش بهره وری و سودآوری ارتباطی ندارد.

آنیس و همکاران^۹ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد و ارزش شرکت در کشور تونس پرداختند آنها شرکتهای بورس اوراق بهادار را با استفاده از رگرسیون چند متغیره مورد آزمون قرار دادند نتایج پژوهش حاکی از آن است که از منظر سرمایه گذاران چنین شرکت هایی گزینه های مطمئن تری برای سرمایه گذاری محسوب می شوند بنابراین بین ارتباطات سیاسی و عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود دارد همچنین نتایج نشان می دهد بین ارتباطات سیاسی و ارزش شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

سیهار تبون (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود با نقش تعدیلگر اندازه شرکت در بین ۵۴ شرکت بین سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اندازه هیئت وزرا و کیفیت حسابرسی تاثیر معنی داری بر کیفیت سود ندارد. مالکیت متمرکز تأثیر منفی بر کیفیت درآمد دارد. اندازه شرکت تأثیر مثبتی بر روی کیفیت سود دارد و اندازه شرکت می تواند به طور قابل توجهی تأثیر مثبت و منفی بر کیفیت حسابرسی داشته و مالکیت بر کیفیت سود متمرکز باشد.

ادیوال (۲۰۱۳) در مطالعه خود به بررسی تاثیر مدیریت سرمایه در گردش بر عملکرد شرکت و تاثیر محدودیت های مالی بر این رابطه پرداخت. نتایج نشان می دهد که عملکرد شرکت ارتباط مثبت و قابل توجهی با چرخه خالص تجاری دارد و محدودیت های مالی نیز بر این رابطه تاثیر مثبت دارد و شرکت های با محدودیت مالی کمتر، عملکرد بهتری نسبت به شرکت هایی با محدودیت مالی بیشتر دارند.

لانور و المرزقی (۲۰۱۱) به بررسی "رابطه میان مالکان مدیریتی و عملکرد شرکت ها" پرداختند، آن ها ۳۵ شرکت بورسی در فرانسه را در طی سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که میان مالکیت مدیریتی و عملکرد شرکت که به وسیله Q توبین اندازه گیری شده است، رابطه معنادار و معکوس وجود دارد.

قسیم محمد (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر کیفیت حسابرسی شرکتهای اردنی پرداخت. یافته های این تحقیق نشان می دهد که بین مالکیت نهادی و مالکیت خارجی با کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین یافته های این تحقیق نشان می دهد بین تمرکز مالکیت نهادی و کیفیت حسابرسی رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

. جوانمرد و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین عملکرد و ریسک شرکت پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می دهد با افزایش ریسک در شرکت، عملکرد شرکت بالا رفته و با کاهش ریسک در شرکت، عملکرد شرکت کاهش پیدا می کند، ولی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین ریسک و عملکرد شرکت تاثیر معناداری ندارد.

8. Nafan kahel & Adam jahel

9. Anis

سپاسی و عبدلی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان "تأثیرات حضور زنان در هیئت مدیره بر ارزش شرکت و عملکرد مالی" شواهدی مستقیمی به دست نیاوردند که وجود یک نماینده زن در هیئت مدیره به طور مستقیم بر ارزش شرکت اثر بگذارد. با این حال، اثرات غیرمستقیم یافته شده است، بدین ترتیب که زنان در هیئت مدیره به طور مثبت بر عملکرد مالی (که به وسیله بازده دارایی ها و فروش اندازه گیری شده) اثر می گذارند که به طور کلی بیانگر این است که زنان در هیئت مدیره بر عملکرد مالی (که به نوبه خود مرتبط با ارزش شرکت است) اثر می گذارند و از این طریق ارزش شرکت را نیز تحت تأثیر خود قرار می دهند.

امامی و فرید (۱۳۹۵) سرمایه در گردش، عملکرد شرکت و محدودیت های مالی مورد بررسی قرار دادند. نمونه مورد نظر آن ها شامل ۸۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ است. کیوتوپین به عنوان مولفه عملکرد شرکت و از چرخه تجاری خالص به عنوان معیار سرمایه در گردش استفاده شده است و متغیرهای نسبت سود تقسیمی و جریان های نقد معیارهای محدودیت های مالی هستند. به منظور آزمون فرضیه ها از تجزیه و تحلیل رگرسیونی با استفاده از روش داده های تابلویی (اثرات ثابت) بهره گرفتند. نتایج بدست آمده بیانگر این است که بین سرمایه در گردش و عملکرد شرکت رابطه یو شکل و معکوسی وجود دارد و سطح بهینه سرمایه در گردش برای شرکت هایی که محدودیت مالی بیشتری دارند، کمتر است.

مهرانی و نورورزی (۱۳۹۵) به بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین ارزش شرکت و مدیریت سود پرداختند. یافته های پژوهش نشان می دهد که سهامداران مدیریت سود را فرصت طلبانه تلقی کرده و مدیریت سود دارای اثری منفی بر ارزش شرکت می باشد ولی در شرکت های دارای حاکمیت شرکتی قوی چنین اثری کاهش می یابد؛ به عبارت دیگر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مدیریت سود و ارزش شرکت تأثیر مثبت دارد و شرکت های دارای رتبه حاکمیت شرکتی بالاتر با اثر منفی کمتری مواجه هستند.

سعیدی و همکاران (۱۳۹۲) رابطه بین فعالیت های مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که بین معیارهای مدیریت سود واقعی با عملکرد آتی رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد؛ به عبارت دیگر از این نتایج می توان استنباط کرد که دستکاری فعالیت های واقعی در دوره جاری، سبب کاهش عملکرد آتی شرکت می شود.

خدیدجه محمدزاده کاردارو همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود به بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و ساختار مالکیت با ساختار سرمایه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند نتایج پژوهش آنان نشان می دهد که متغیرهای مربوط به حاکمیت شرکتی و ساختار مالکیت و همچنین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت تأثیر معناداری بر ساختار سرمایه ندارند در حالی که متغیرهای کنترلی سودآوری به طور معناداری رابطه منفی با ساختار سرمایه دارد.

فرضیه های تحقیق

فرضیه اول: حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود حسابداری تأثیر مستقیم دارد.

فرضیه دوم: کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود حسابداری تأثیر مستقیم دارد.

فرضیه سوم: حاکمیت شرکتی از طریق عملکرد مالی بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد.

فرضیه چهارم: حاکمیت شرکتی از طریق ساختار سرمایه بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد.

فرضیه پنجم: کیفیت حسابرسی از طریق عملکرد مالی بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد.

فرضیه ششم: کیفیت حسابرسی از طریق ساختار سرمایه بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد.

روش تحقیق

این تحقیق بر اساس هدف یک تحقیق بنیادی توصیفی است و بر اساس رویکرد یک تحقیق همبستگی محسوب می شود که بر اساس تشکیل مدل های رگرسیونی به آزمون فرضیه های پژوهش پرداخته خواهد شد. همچنین با توجه به این که این تحقیق از اطلاعات گذشته برای آزمون فرضیات استفاده می کند از نوع تحقیقات پس رویدادی است. کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری پژوهش حاضر راشکل داده. در این پژوهش یک نمونه از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی یک دوره ۶ ساله شامل صورت های مالی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ مورد بررسی قرار می گیرند. در این پژوهش از نمونه گیری آماری استفاده نگردیده. شرکت های مورد بررسی به روش حذف سیستماتیک و بر اساس معیار های زیر انتخاب می گردند:

شرکت هایی که سال مالی آنها پایان اسفند ماه نباشد یا تغییر سال مالی داده اند
شرکت هایی که بعد از سال ۱۳۹۲ و قبل از سال ۱۳۹۸ در بورس وارد شده اند
شرکت هایی که در طول سال های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۸ در بورس بیش از سه ماه دچار وقفه شده اند
شرکت های از نوع تامین کننده مالی، سرمایه گذاری و بیمه ای
شرکت هایی که اطلاعات متغیرهای تحقیق در صورت های مالی آنان در دسترس نباشد
در نهایت پس از رعایت شرایط فوق و اعمال نمونه گیری از شرکت های موجود در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۱۳۰ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

کیفیت سود (EQ): برای ارزیابی کیفیت سود از طریق مدل جونز تعدیل شده استفاده می نماییم که از سوی دچو و همکاران ارائه گردیده است. در مدل تعدیل شده جونز، کیفیت سود به صورت زیر محاسبه می گردد:

$$TA_{j,t} = (\Delta CA_{j,t} - \Delta CL_{j,t} - \Delta Cash_{j,t} - \Delta SDT_{j,t} - DEP_{j,t})$$

$TA_{i,t}$ = کل اقلام تعهدی شرکت i در سال t

$\Delta CA_{i,t}$ = تغییرات دارایی های جاری شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$

$\Delta CL_{i,t}$ = تغییر در بدهی جاری شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$

$\Delta Cash_{i,t}$ = تغییر در وجه نقد شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$

$A_{i,t-1}$ = کل دارایی های اول دوره شرکت i

$\Delta SDT_{i,t}$ = تغییر در حصة جاری تسهیلات دریافتی شرکت i در سال جاری نسبت به سال قبل

$DEP_{i,t}$ = هزینه استهلاک شرکت i در سال t

بعد از برآورد پارامترهای $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ برای تعیین اقلام تعهدی غیراختیاری، از رابطه زیر استفاده شد.

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

$\Delta REC_{i,t}$ = تغییرات حسابه ها و اسناد دریافتی + سایر حساب دریافتی شرکت i در سال t نسبت به سال قبل

$\Delta REV_{i,t}$ = تغییرات درآمد شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$

$PPE_{i,t}$ = ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در سال t

ε_{it} = باقیمانده مدل

بعد از برآورد پارامترهای $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ برای تعیین اقلام تعهدی غیراختیاری NDA، از رابطه زیر استفاده شد.

$$ND_{it} = \alpha_1 \left(\frac{1}{TA_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{ppe_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

بعد از برآورد پارامترهای $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ برای تعیین مدیریت سود تعهدی از قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری؛ به شرح رابطه زیر استفاده شد (جونز، ۲۰۰۲).

$$|AEM_{i,t}| = \left| \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} - NDA_t \right|$$

متغیرهای مستقل

حاکمیت شرکتی متغیر مستقل این پژوهش می باشد که برای اندازه گیری آن از معیار مالکیت نهادی استفاده می نماییم. مالکیت نهادی (INS): برابر است با مجموع سهام شرکتهای سرمایه گذاری، بنیادها، نهادها و سازمانها و... به دلیل اینکه از افق دید بلندمدت برخوردارند به عنوان سهامداران نهادی در نظر گرفته می شوند. مجموع سهام نگهداری شده به وسیله شرکت های سرمایه گذاری. صندوق های بازنشستگی. بانک ها. بنیادها. نهادها و سازمان های دولتی به عنوان شاخص مالکیت نهادی در نظر گرفته شد بنابراین مقادیر سهام بالاتر از میانه را برابر با یک و کمتر از میانه برابر صفر در نظر می گیریم. (یزدانی وهمکاران، ۱۳۹۵).

کیفیت حسابرسی (AQ): برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی روش های مختلفی وجود دارد؛ که ما در این پژوهش از سه متغیر تخصص حسابرس و اندازه موسسه حسابرسی و تدام انتخاب حسابرس استفاده می نماییم. موسسات حسابرسی بزرگتر حسن شهرت بالایی دارند و این حسن شهرت اعتبار حسابرس را بالا می برد و اعتبار حسابرس اطلاعاتی را از توانایی نظارت حسابرس و ازاین رو توانایی حسابرس برای تاثیر گذاردن بر کیفیت اطلاعات بدست می دهد. در بیشتر تحقیقاتی انجام شده در ایران سازمان حسابرسی به عنوان موسسه حسابرسی بزرگ و مابقی موسسات حسابرسی معتمد بورس به عنوان موسسات کوچک در نظر گرفته شده است پس متغیر مصنوعی است، شرکت هایی که صورت های مالی آنها توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده است با کد ۱ و آنهایی که توسط موسسات حسابداران رسمی، حسابرسی شده اند با کد ۰ مشخص شده است (نمازی، ۱۳۹۰)

تجزیه و تحلیل داده ها

برای تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات، مطابق اهداف ارائه شده، ابتدا میزان و یا مقدار هر متغیر بر اساس داده ها و امتیازات مشخص شد. سپس توصیف اطلاعات حاصل شده در قالب جداول و نمودارهای توصیفی، دیدگاه کلی از چگونگی توزیع آن ها را ایجاد نموده که می تواند در چگونگی استفاده از الگوهای آماری گوناگون کمک نماید. در گام بعدی به آزمون فرضیه های تحقیق پرداخته شد و در نهایت با جمع بندی و تجزیه و تحلیل اطلاعات خاتمه یافت. کلیه این تجزیه و تحلیل ها به وسیله نرم افزار SPSS22 و SMART PLS3 انجام گردیده است.

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	آماره	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	تعداد مشاهدات
حاکمیت شرکتي	INS	0.6506	0.6000	1.0000	0.0000	0.1948	455
اندازه شرکت	SIZE	13.8270	13.7329	18.4532	10.1328	1.5301	455
دارایی های مشهود	Tangibility	0.2492	0.1944	0.8496	0.0040	0.1791	455
عملکرد شرکت	ROA	0.0695	0.0616	0.5702	-0.6927	0.1742	455
کیفیت سود	EQ	0.0088	0.0033	0.5137	-0.0418	0.0363	455
کیفیت حسابرسي	AQ	0.0584	0.0397	0.3519	0.0020	0.0520	455
رشد شرکت	Growth	0.0689	0.0564	0.2476	0.0049	0.0477	455
اهرم مالی	Lev	0.6470	0.6158	2.6581	0.0790	0.3583	455
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام	MB	2.3557	2.0527	9.9710	-4.9124	2.1285	455

در این پژوهش، جهت آزمون فرضیه‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS) و نرم-افزار Smart PLS استفاده می‌شود و تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز بر اساس الگوریتم تحلیل داده‌ها در روش حداقل مربعات جزئی که شامل دو بخش «بررسی برازش مدل» و «آزمون فرضیه‌های پژوهش» است صورت می‌پذیرد.

متغیرهای میانجی

ساختار سرمایه: اهرم مالی (LEV): که از تقسیم کل بدهی در پایان سال مالی t بر کل دارایی در پایان همان سال مالی به دست می‌آید (منتظری و همکاران، ۱۳۹۴).

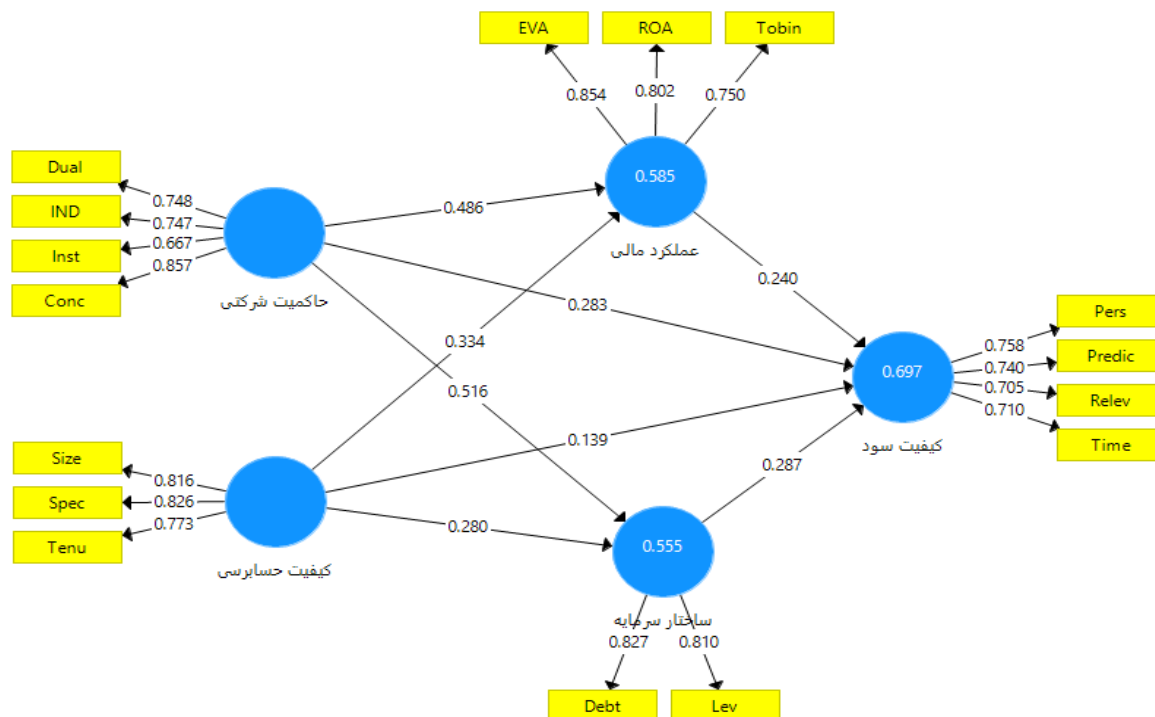
عملکرد شرکت (ROA): متغیر وابسته عملکرد شرکت است برای محاسبه این متغیر از معیار نرخ بازده دارایی‌ها استفاده می‌شود بدین منظور سود خالص بر میانگین کل دارایی‌ها تقسیم می‌شود. (اعتمادی و منتظری ۱۳۹۲).

متغیرهای کنترلی

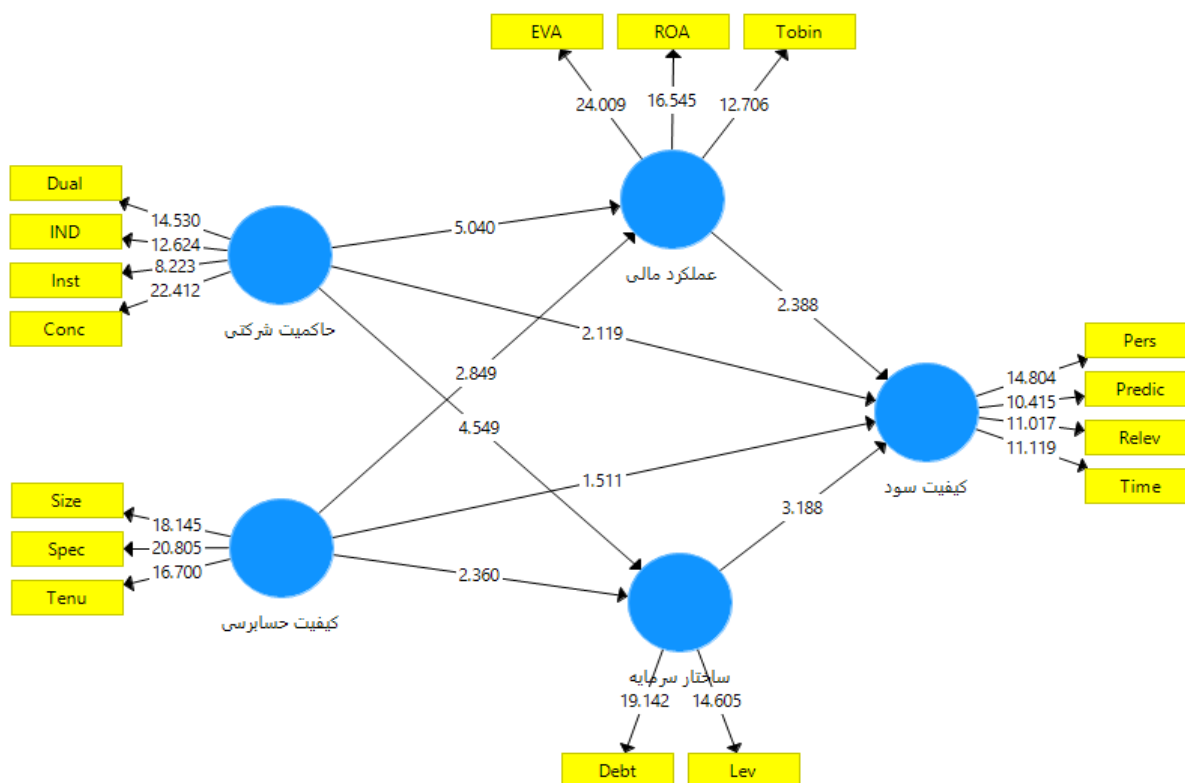
اندازه شرکت (size): برای محاسبه اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام استفاده می‌گردد (منتظری و همکاران، ۱۳۹۴).

نسبت دارایی مشهود (Tangible): برابر است با نسبت اموال، ماشین آلات و تجهیزات به کل دارایی‌های شرکت در سال جاری (ملساآارات و همکاران، ۲۰۱۶).

Growth: رشد شرکت: درصد تغییر در فروش شرکت می‌باشد (نوروش و همکاران ۱۳۹۴).



مدل نهایی پژوهش در حالت تخمین ضرایب استاندارد شده



مدل نهایی پژوهش در حالت ضرایب معناداری t

نتایج آزمون فرضیه ها

نتایج حاصل از برآورد فرضیه اول نشان داده که با توجه به مدل ساختاری تحقیق در حالت ضرایب معناداری مشاهده می‌شود که میزان آماره تی بین دو متغیر حاکمیت شرکتی و کیفیت سود خارج بازه (۱/۹۶ & -۱/۹۶) است بنابراین

فرضیه اول پذیرفته می شود. به عبارتی بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ که که با نتایج پژوهش نورلان اورزالین (۲۰۱۹) همخوانی داشته و با نتایج پژوهش لی و همکاران (۲۰۰۹) همخوانی ندارد. نتایج حاصل از برآورد فرضیه دوم نشان داده که با توجه به مدل تحقیق در حالت معنی داری مشاهده می شود که رابطه تعاملی بین کیفیت حسابرسی و کیفیت سود معنی دار نبوده، چراکه آماره تی متناظر داخل بازه $(1/96 \& -1/96)$ است بنابراین فرضیه دوم رد می شود؛ که با نتایج پژوهش اسماعیل زاده و همکاران (۱۳۹۷) همخوانی داشته و با نتایج پژوهش لی و همکاران (۲۰۰۹) همخوانی ندارد.

نتایج حاصل از برآورد فرضیه سوم نشان داده که با توجه به مدل تحقیق در حالت معنی داری مشاهده می شود که آماره تی حاکمیت شرکتی در رابطه تعاملی بین عملکرد مالی بر کیفیت سود معنی دار بوده، چراکه آماره تی متناظر خارج بازه $(1/96 \& -1/96)$ است بنابراین فرضیه سوم پذیرفته می شود. به عبارتی حاکمیت شرکتی از طریق عملکرد مالی بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد.

نتایج حاصل از برآورد فرضیه چهارم نشان داده که با توجه به مدل تحقیق در حالت معنی داری مشاهده می شود که آماره تی حاکمیت شرکتی در رابطه تعاملی بین ساختار سرمایه با کیفیت سود معنی دار بوده، چراکه آماره تی متناظر خارج بازه $(1/96 \& -1/96)$ است بنابراین فرضیه چهارم پذیرفته می شود. به عبارتی حاکمیت شرکتی از طریق ساختار سرمایه بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد؛ که با نتایج پژوهش راستگو و همکاران (۱۳۹۲) همخوانی داشته و با نتایج پژوهش قسیم محمد (۲۰۱۱) همخوانی ندارد.

نتایج حاصل از برآورد فرضیه پنجم نشان داده که با توجه به مدل تحقیق در حالت معنی داری مشاهده می شود که آماره تی کیفیت حسابرسی در رابطه تعاملی بین عملکرد مالی با کیفیت سود معنی دار بوده، چراکه آماره تی متناظر خارج بازه $(1/96 \& -1/96)$ است بنابراین فرضیه پنجم پذیرفته می شود. به عبارتی کیفیت حسابرسی از طریق عملکرد مالی بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد؛ که با نتایج پژوهش اسماعیل زاده و همکاران (۱۳۹۷) همخوانی داشته و با نتایج پژوهش لی و همکاران (۲۰۰۹) همخوانی ندارد.

نتایج حاصل از برآورد فرضیه ششم نشان داده که با توجه به مدل تحقیق در حالت معنی داری مشاهده می شود که آماره تی کیفیت حسابرسی در رابطه تعاملی بین ساختار سرمایه با کیفیت سود معنی دار بوده، چراکه آماره تی متناظر خارج بازه $(1/96 \& -1/96)$ است بنابراین فرضیه پنجم پذیرفته می شود. به عبارتی کیفیت حسابرسی از طریق ساختار سرمایه بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد؛ که با نتایج پژوهش راستگو و همکاران (۱۳۹۲) همخوانی داشته و با نتایج پژوهش قسیم محمد (۲۰۱۱) همخوانی ندارد.

نتیجه گیری

سود حسابداری یکی از اساسی ترین معیارها برای ارزیابی تداوم فعالیت، عملکرد واحد تجاری و پیش بینی فعالیت های آتی واحد تجاری می باشد. سودخالص هر بنگاه اقتصادی، همواره به وسیله سرمایه گذاران، اعتباردهندگان، حرفه حسابداری، مدیران مالی و تحلیلگران بازار سهام مورد استفاده قرار می گیرد. حاکمیت شرکتی، یکی از پارامترهای موثر بر ارزش شرکت و سودآوری آن بوده و به عنوان کنترلی بر رفتار مدیریت در مدیریت منابع شرکت می باشد و جهت گیری آنها در بازار سرمایه بدین وسیله مشخص می گردد حاکمیت شرکتی مطلوب باعث شده از یک طرف هم ثروت سهامداران به حداکثر رسیده و هم ارزش شرکت افزایش یابد. حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه ای

خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند. به عقیده هیئت کیفیت حسابرسی، حرفه حسابرسی توانسته هم‌قدم با محیط خود که به سرعت در حال تغییر است، گام بردارد. آزمون فرضیه‌ها با استفاده از الگوی رگرسیون داده‌های ترکیبی که تلفیقی از داده‌های مقطعی و سری زمانی هستند استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان داده که بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ و حاکمیت شرکتی از طریق عملکرد مالی بر کیفیت سود حسابداری و ساختار سرمایه تأثیر معناداری دارد و کیفیت حسابرسی از طریق عملکرد مالی و ساختار سرمایه بر کیفیت سود حسابداری تأثیر دارد. ولی بین کیفیت حسابرسی و کیفیت سود رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد.

منابع

- احمدپور، احمد و کاشانی پور، محمد و شجاعی، محمدرضا (۱۳۸۹). "بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر هزینه تامین مالی از طریق بدهی" فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۲، بهار ۱۳۸۹.
- حساس یگانه، یحیی (۱۳۹۴)، "مبانی نظری حاکمیت شرکتی" حسابداری، سال بیستم، شماره ۱۶۸، صص ۵۷-۱۰.
- خدادادی، ولی و تاکر، رضا (۱۳۹۱) "بررسی تأثیر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی و ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال چهارم، شماره ۱۵.
- مهرانی، ساسان و فعال قیومی، علی و مرادی، محمد (۱۳۹۱) "بررسی رابطه بین مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت نهادی با مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابداری، زمستان ۱۳۹۱، دوره سوم، شماره ۱۱، صص ۳۱ تا ۵۵.
- مهرانی، ساسان؛ نوروزی، مونا (۱۳۹۴) "بررسی رابطه اثر حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین ارزش شرکت و مدیریت سود"، مجله علمی-پژوهشی دانش حسابداری مالی، دوره دوم، شماره ۳، پیاپی ۶، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۰۵-۱۲۲.
- مرادی و همکاران (۱۳۹۱) "بررسی تأثیر اندازه و استقلال هیات مدیره بر هزینه‌های نمایندگی"، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال دوم؛ شماره ۷، بهار ۱۳۹۲، صص ۳۵-۵۳.
- رحمانی، ع.؛ حسینی، س.ع.؛ و رضاپور، ن. (۱۳۹۴). رابطه مالکیت نهادی و نقدشوندگی سهام در ایران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷.
- مهرانی، ساسان؛ شیخی، کیوان و پارچینی، سید مهدی. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین محافظه کاری در گزارشگری مالی و میزان نگهداشت وجه نقد، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۲ (۷): ۱۷-۳۳.
- خانی، عبدالله؛ و رجبی، رضا. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر محافظه کاری حسابداری بر رابطه وجه نقد نگهداری شده و بازده غیرعادی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران». مطالعات حسابداری و حسابرسی، پاییز ۱۳۹۳، شماره ۱۱.
- خدای پور، احمد؛ و تاج الدینی، دینا. «بررسی تأثیر محافظه کاری حسابداری بر شیوه تامین مالی شرکت‌ها و گرایش به نگهداری وجه نقد». مدیریت دارایی و تامین مالی، بهار ۱۳۹۳، شماره ۱.
- فتحی، سعید؛ و رحیم پور، محبوبه. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر سازوکارهای کنترلی حاکمیت شرکتی بر سطح نگهداشت وجه نق در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران». فصلنامه راهبرد مدیریت مالی، دوره ۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۹، تابستان ۱۳۹۴، صص ۷۵-۵۷.

مهربان پور، محمد رضا و جندقی، محمد و مهدی، منصور (۱۳۹۶)، "بررسی اثر روابط سیاسی شرکت ها بر بکارگیری معاملات غیر عادی با اشخاص وابسته" دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۴۷-۱۶۸.

مهدوی فرد، محمد رضا و رویایی، رمضان علی (۱۳۹۴) "مدیریت سیاسی و قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران: آزمون نظریه اقتصاد سیاسی"، فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی، سال هشتم، شماره ۲۵-۱۹-۲۸.

مهدوی، غلامحسین؛ کرمانی، احسان (۱۳۹۴) "بررسی تاثیر استقلال هیئت مدیره بر روابط بین عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران" راهبرد مدیریت مالی، سال سوم، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۹۴، صص ۱-۲۶.

محمدی، جواد؛ فخاری، حسین (۱۳۹۵) "تاثیر خود کنترلی و تعهدات دینی مدیران مالی بر کیفیت افشای اطلاعات حسابداری ارزشی و رفتاری"، دوره ۱، شماره ۲، صص ۴۱-۶۳.

محمود آبادی، حمید؛ نجفی، زهرا (۱۳۹۲) "نقش شفافیت اطلاعات در تبیین رابطه بین حمایت سیاسی دولت و عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، حسابداری مدیریت، دوره ۶، شماره ۱۸، صص ۵۷-۷۱.

نی، حلیمه؛ پاکروان، محمد رضا (۱۳۹۶) "تاثیر هموارسازی سود بر هزینه بدهی با تاکید بر عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک درماندگی مالی فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری"، دوره ۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، صص ۳۴۴-۳۶۴.

نیکو مرام، هاشم؛ بنی مهد، بهمن؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ کیانی، علی (۱۳۹۲) "اقتصاد مبتنی بر روابط، روابط سیاسی و کیفیت اقلام تعهدی"، فصلنامه دانش حسابداری، ۱۳(۱۲)، ۴۳-۵۷.

نیکو مرام، هاشم و بنی مهد، بهمن و رهنمای رودپشتی، فریدون و کیانی، علی (۱۳۹۲)، "دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال ششم، شماره هجدهم، پاییز ۱۳۹۲.

وکیلی فرد، حمیدرضا؛ داودی، مهری (۱۳۸۸) "بررسی رابطه بین مدیریت جریانهای نقدی و هزینه بدهی" مجله حسابداری مدیریت، سال دوم، شماره اول، تابستان ۱۳۸۸.

یعقوب نژاد، احمد؛ جواد، نعمت اله (۱۳۸۸) "رابطه بین اندازه شرکت ها و هزینه های سیاسی"، مجله مطالعات اجتماعی، زمستان ۱۳۸۸.

Anderson. and Hamadi. (2016). "[Cash holding and control-oriented finance](#)". Journal of Corporate Finance, 41. 410-425. ISSN 0929-1199

Bates. Kahle. And Stulz. (2009). "Why do U.S. firms hold so much more cash than they used to?" Journal of Finance, 64, 1985-2021.

Bebchuk. And Hamdani. (2009). "The Elusive Quest for Global Governance Standards". University of Pennsylvania Law Review, 157, 1263-1317.

Bernstein. (1994). "Imperfect information and agency cost models: Further empirical tests". International Review of Economics and Finance, 3, 183-193.

Holderness. (2009). "The Myth of Diffuse Ownership in the United States". Review of Financial Studies, 22, 1377-1408.

Jensen. And Meckling. (1976). "Theory of firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure". Journal of Financial Economics, 3, 305-360.

Jiang. And Lie. (2016). "Cash holding adjustments and managerial entrenchmen". [Journal of Corporate Finance. Volume 36](#), February 2016, Pages 190-205.

- Lin. Chan. Chien. And Hua Li. (2017). "The relationship between cash value and accounting conservatism: the role of controlling shareholders". International Review of Economics and Finance, REVECO 1462.
- Louis. Sun. and Urcan. (2012). "Value of Cash Holdings and Accounting Conservatism". Contemporary Accounting Research, 29(4),1249-1271.
- Najjar. And Clark. (2017). "Corporate governance and cash holdings in MENA: Evidence from internal and external governance practices". [Research in International Business and Finance](#) [Volume 39, Part A](#), January 2017, Pages 1-12.
- Shleifer. And Vishny. (1997). "A survey of corporate governance". Journal of Financ., 52 (June), 737-783.
- Watts. (2003). "Conservatism in accounting part I: Explanations and implications". Accounting Horizons, 17, 207-221.
- Abeysekera Indra. (2003). Political economy of accounting in intellectual capital reporting, University of Wollongong Research Online.
- Adhikari, A., Derashid, C., and Zhang, H. Public Policy: Political Connections, and Effective Tax Rates: Longitudinal Evidence from Malaysia, Journal of Accounting and Public Policy, Vol. 25, pp. 574-595.

Mohsen Khodadadi ^{*1}
Faezeh Pourramazan ²

The purpose of this study is to investigate the simultaneous effect of corporate governance and audit quality on profit quality with the mediating role of capital structure and financial performance in companies listed on the Tehran Stock Exchange. Using the sampling technique by systematic removal method, 130 sample companies were selected during the years 1392 to 1398. Hypothesis testing was used using a combined data regression model that is a combination of cross-sectional data and time series. The results of this study show that there is a positive and significant relationship between corporate governance and profit quality. Corporate governance through financial performance has a significant effect on accounting profit quality and capital structure and audit quality through financial performance and capital structure has an effect on accounting profit quality. But there is no positive and significant relationship between audit quality and profit quality.

Audit quality, corporate governance, profit quality

1. Department of Accounting, Rudsar and Amlash Branch, Islamic Azad University, Rudsar, Iran.
2. Accounting Department, Rudsar and Amlash Branch, Islamic Azad University, Rudsar, Iran.